

## غزل شماره ۱۲۱

هر آن کو خاطرِ مجموع و یارِ نازنین دارد  
سعادتِ هدم او گشت و دولتِ همشین دارد

حریمِ عشقِ رادکه، بسی بالاتر از عقل است  
کسی آن آستانِ بوسه، که جان در آستین دارد

دهانِ تنگِ شیرینش، مگر ملکِ سلیمان است  
که نقشِ خاتمِ لعش، جهان زیرِ نگین دارد

لبِ لعل و خطِ مشکین، چو آتش هست و لیش هست  
بنازم دلبرِ خود را، که حسش آن و این دارد

به خواری مکر ای مُنعم، ضعیفان و نحیفان را  
که صدرِ مجلسِ عشرت، گدایِ ریشین دارد

چو بر رویِ زمین باشی، تواناییِ غنیمت دان  
که دورانِ ناتوانی ما، بسی زیرِ زمین دارد

بلاگردانِ جان و تن، دعایِ مستندان است  
که پند خیر از آن خرمن که تنگ از خوشه چین دارد؟

صبا از عشق من رمزی، بگو با آن شه خوبان  
که صد جمشید و کیخسرو، غلام کمتین دارد

و گر گوید نمی خواهیم، چو حافظ عاشق مفسر  
بگویدش که سلطانی، کدایی همشین دارد

## تفسیر فال

آفرین بر شما که تصمیم عاقلانه و دوراندیشانه‌ای اتخاذ کرده‌اید. این انتخاب هوشمندانه شما، نویدبخش سعادت و دولت در زندگی‌تان خواهد بود و به واقع تقدیر شما را با خوشبختی و کامیابی پیوند می‌زند. در فعالیت‌ها و اقداماتی که انجام می‌دهید، هیچ نشانه‌ای از ذلت یا خواری وجود ندارد؛ بلکه برعکس، این انتخاب‌ها باعث ارتقاء شخصیت و جایگاه اجتماعی شما خواهند شد. به وصال یاری خواهید رسید که از هرسو دارای حسن و زیبایی

است؛ یاری که نه تنها در کنار شما خواهد بود، بلکه موجب شکوفایی استعدادهایتان نیز خواهد شد. بنابراین، توانایی‌های خود را به نمایش بگذارید و مانند همیشه با دلی بزرگ، به مستمندان کمک کنید تا دیگران نیز از نور مهربانی‌تان بهره‌مند شوند.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)